

۳  
افقچهار برنامه پنتاگون  
انتشار سند راهبردی دفاع ملی آمریکا۴  
فرهنگدر غیاب طبقه متوسط  
علی اصغر سیدآبادی۷  
کوچهبازار مکاره وی پی ان  
قیمت فیلترشکن ها نجومی شد۷  
جامعهخروج از حاکمیت قانون  
آیا می توان اموال افراد را مصادره کرد؟۸  
شیطانمه

پوپولیسم جنگ طلب

چرا روشنفکران این روزها سکوت کرده اند؟

یادداشت روز

حکمرانی بی نظم

مسئله اصلی کشور، شلختگی اقتصادی است



سیدمصطفی هاشمی طباطبائی

عضو شورای عالی مشورتی  
حزب کارگزاران سازندگی ایران

در هفته های اخیر و همزمان با اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی، برخی تحلیل ها از نقد سیاستگذاری فراتر رفته و با طرح بحث هایی مانند احتمال ترور رئیس جمهور، تلاش کرده اند همه چیز را به «ذی نفعان ارز ترجیحی» گره بزنند. این نوع تحلیل ها، بیشتر از آنکه متکی بر واقعیت باشد، از بزرگ نمایی و ساده سازی مسئله ناشی می شود. نه اینکه مسئولان در معرض خطر نباشند اما نسبت دادن هر اتفاقی به گروه های ذی نفع، کمکی به فهم ریشه مشکلات نمی کند. مسئله اصلی جای دیگری است و با چنین روایت هایی فقط از دیدن آن طفره می رویم. مشکل امروز اقتصاد ایران، نه حذف ارز ترجیحی است و نه باقی ماندن آن. مسئله، «شلختگی اقتصادی» است؛ اقتصادی که هیچ تعریف روشنی ندارد. نه می توان آن را بازار آزاد دانست، نه اقتصاد دولتی کلاسیک، نه اقتصاد رفاهی و نه حتی اقتصاد مقاومتی. با مجموعه ای از سیاست های پراکنده و متناقض روبه رو هستیم که حاصل سال ها شواخی گرفتن واقعیت های داخلی و خارجی است. از زمانی که تحریم ها و قطعنامه ها «کاغذپاره» خوانده شد به تدریج سیاستگذاری هم از مسیر عقلانی خارج شد. به جای آنکه کشور برای مواجهه با فشارهای بیرونی تجهیز شود، نوعی بی اعتنایی و وادادگی شکل گرفت که نتیجه اش رانت، سوء استفاده، پراکنده کاری و اقتصادی بی سروته است که هیچ نظم مشخصی بر آن حاکم نیست. در چنین فضایی، مسئله شنیدن صدای مردم هم به حاشیه رانده شده است. مدام از «مردم» سخن گفته می شود اما روشن نیست این مردم دقیقاً از چه طریقی باید در تصمیم گیری ها نقش داشته باشند. در حال حاضر، سازوکار رسمی این مشارکت، یعنی مجلس عملاً به نهادی تبدیل شده که توان تصمیم سازی جدی در مسائل کلان کشور را ندارد. وقتی کانال های رسمی نمایندگی تضعیف می شوند، طبیعی است که فاصله میان جامعه و حاکمیت بیشتر شود و احساس بی اثری در میان مردم گسترش پیدا کند. در این میان، انتخابات هم ناخواسته به بخشی از این چرخه معیوب تبدیل شده و سیاست به عرصه شعار رانده شده است. مسئله اصلی این نیست که منتخبان اجازه اجرای وعده های خود را ندارند بلکه مشکل از همان نقطه ای آغاز می شود که وعده های جذاب اما غیر قابل اجرا، جای گفتن واقعیت را می گیرد. واقعیت های اقتصادی و اجتماعی تلخ هستند و گفتن شان هزینه دارد؛ برای همین کمتر کسی حاضر است با زبان واقعیت وارد رقابت شود. در نتیجه، مردم هم اغلب به شعارها اقبال نشان می دهند چون دست کم دلشان خوش می شود. از این منظر، وقتی مردم آگاهانه به شعار رای می دهند و نه به تحلیل های واقع بینانه، طبیعی است که تصمیم ها نیز بر پایه همان وعده های غیر واقعی شکل بگیرد و هزینه اش متوجه کل جامعه شود. از سوی دیگر، ترکیبی از نادانی، خودبرتربینی و دلیستگی به قدرت باعث شده برخی تصور کنند «اگر ما باشیم، کشور فرو می یابد». حال آنکه سنت تاریخ و حتی نص صریح قرآن بر گردش قدرت و مشارکت عمومی تأکید دارد. کشوری با این وسعت و تنوع هم با حذف و انحصار و با دایره ای محدود از «خالص ها» اداره نمی شود. ریشه این وضعیت را همچنین باید در بی اعتمادی عمیق به جامعه جستجو کرد. بخشی از حاکمیت، مردم، گروه ها، احزاب، نهادهای مدنی و حتی بخش خصوصی را در برابر خود می بیند، نه در کنار خود؛ درحالی که این گروه ها عموماً دلسوز کشورند و می توانند کمک کننده باشند. نتیجه چنین نگاهی، اصرار بر انحصار است؛ انحصار قدرت، انحصار رسانه و انحصار تصمیم گیری. سیاست هایی مانند «خالص سازی» نیز از همین سوء تفاهم ناشی می شود که فقط یک گروه خاص، صلاحیت اداره کشور را دارد. درحالی که تجربه تاریخی و عقل سلیم نشان می دهد، اداره یک جامعه متکثر بدون مشارکت همه مردم ممکن نیست. بی اعتمادی به جامعه و اصرار بر انحصار در تصمیم گیری نیز در نهایت خود را در همان جایی نشان می دهد که امروز با آن روبه رو هستیم؛ اقتصادی شلخته، بی قاعده و بی سرانجام که بدون اصلاح شیوه حکمرانی و بدون توجه جدی به واقعیات داخلی و خارجی امکان سامان یافتن ندارد.



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در پی تحولات اخیر کشور که با تلاقی اعتراضات مدنی و برخی ناآرامی های مسلحانه همراه بود، تحلیل های متفاوتی از ریشه ها و عوامل آن ارائه شده است. در همین راستا، محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، در گفت وگویی با «سازندگی» تحلیلی جامع از بحران های اخیر ارائه داده و وقایع اخیر را حاصل همزمانی دو جریان متفاوت می داند. او به انباشت مطالباتی اشاره دارد که ریشه در نزدیک به دو دهه فشار اقتصادی و تحریم های فزاینده دارد؛ فشاری که به ویژه طبقه متوسط شهری را به نقطه جوش رسانده و زمینه ساز اعتراضات گسترده شده است. این ناراضی های معیشتی، به گفته عطریانفر، واقعیتی است که حتی مقامات عالی رتبه نظام هم به آن اذعان دارند و رهبری نیز بر ضرورت پاسخگویی به این اعتراضات به حق تأکید کرده اند. از سوی دیگر، عطریانفر به یک جریان خارجی اشاره می کند که با محوریت ایالات متحده و اسرائیل، به دنبال بهره برداری از این ناراضی های داخلی برای پیشبرد پروژه براندازی نظام بوده اند. معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران همچنین در تحلیل خود، تلاش برای برجسته کردن نام افرادی چون رضا پهلوی به عنوان آلترناتیو را یک خطای راهبردی و نشانه استیصال مخالفان خارجی می داند که به دلیل بیگانگی با فضای ایران فاقد جایگاه سیاسی لازم است. در نهایت او راه برون رفت از این بحران را در گرو هوشمندی حاکمیت در تفکیک میان اعتراض و اغتشاش، شنیدن صدای مردم و در پیش گرفتن دیپلماسی فعال در عرصه بین الملل می داند.

ادامه در صفحه ۲

شناسه آگهی: ۲۰۹۹۳۳۴

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور اقتصادی و دارایی  
کمرک ایران

**فراخوان تجدید (۱) مناقصه عمومی**  
**یک مرحله ای همزمان با ارز بایی کیفی**  
**خرید دو دستگاه ایکس ری موبایلی**  
**پس پراکنده (Backscatter)**

اداره کل توسعه و تجهیز کمرک جمهوری اسلامی ایران  
اداره امور قراردادها و مناقصات

م الف ۳۹۳۹

رجوع به صفحه ۵

#### ادامه تیتربیک

# تغییر از درون

🔴 تحولات اخیر ایران حاصل یک بحران تک‌بعدی با

محرك‌های اقتصادی است یا می‌توان آن را نتیجه تلاقی چند جریان موازی و یا انباشتی از مطالبات گذشته دانست؟ تحلیل شما از ریشه‌های این وقایع چیست؟

آنچه در مقطع اخیر رخ داد، تلاقی دو حادثه یا دو جریان بود که بر هم تأثیر متقابل داشتند. اگر این دو را از هم تفکیک کنیم، شاید به پاسخ شما برسیم. یک موضوع، مسئله‌ای داخلی است که ریشه در معیشت ملت و کشور دارد. ما دو دهه است که درگیر تحریم هستیم و روزبه‌روز فشار اقتصادی بر کرده ملت، به‌خصوص طبقه متوسط شهری به خصوص طبقه حقوق‌بگیر افزایش می‌یابد. طبیعتاً، این زمینه بسیار خطر و نگران‌کننده است چراکه قدرت خرید این طبقه متوسط روزبه‌روز کاهش پیدا می‌کند. طبقه متوسط با دهک‌های پایین جامعه از لحاظ فرهنگ سیاسی و اجتماعی، تفاوت‌های جدی دارند. در این طبقه، استعداد برای تغییر رویکرد، مخالفت، مقاومت و به معنای دقیق‌تر، انتقاد علنی نسبت به سیاست‌های جریان حاکم، بسیار بالاست.

طبقات محروم، به دلیل گرفتاری‌های متعدد اقتصادی و سبک زندگی بسته، معمولاً صدایشان به جایی نمی‌رسد. اگرچه در شرایط فعلی جمعیت روستایی کشور کاهش یافته و شهرنشینی گسترش پیدا کرده اما با نگاهی به سنت سیاسی ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته، درمی‌یابیم که خود انقلاب هم محصول طبقه متوسط شهری و بخش‌های مذهبی آن بود. بنابراین چنین پیشینه‌ای در حافظه تاریخی این طبقه وجود دارد. طبیعی است که تبعات دو دهه مقاومت و تحمل طاقت‌فرسای فقر روزافزون همراه با تورم‌های شدید، طبقه متوسط ایران را به نقطه پراخش، نگرانی و به‌معنای واقعی اعتراض رسانده است. این واقعیتی است که تقریباً تمام مقامات مسئول در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی، نهادهای دولتی و غیردولتی همچنین گروه‌هایی که در تعامل مستقیم با مردم هستند، مانند روحانیت، به آن اذعان دارند. در همین راستا، اخیراً رهبری هم در یک بیان تاریخی، صریح و صمیمانه، مقوله‌ای به‌نام «اعتراض» را به رسمیت شناختند و با تذکر به مسئولان، تأکید کردند که باید در برابر این اعتراضات، پاسخ قانع‌کننده‌ای به مردم ارائه دهند یا برای کاهش سطح نارضایتی‌ها، چاره‌اندیشی کنند.

این یک روند مشخص بود که تا دو دهه اخیر، به‌ویژه پس از انتخاب ترامپ و خروج او از برجام، تشدید شد. در این دوره، تحریم‌ها عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر و شامل تحریم‌های سازمان ملل، کشورهای اروپایی و آمریکا شد. این موارد، به موازای هم مشکلات اقتصادی را به شدت افزایش داد. این را هم باید در نظر داشته باشیم که اقتصاد ملی ما همواره تحت‌تأثیر درآمدهای نفتی بوده است؛ سرمایه‌ای خدادادی که در اختیار دولت قرار داشت و به‌عنوان یک عامل تعادل‌بخش در اقتصاد ملی اثرگذار بود. دولت هم در ایران همواره به‌عنوان پیشران اصلی توسعه، نقشی محوری ایفا کرده و درآمدهای نفتی، ابزار کارآمد در دست آن بود تا بتواند بازار را کنترل، هدایت و متعادل کند. با کاهش فروش نفت، رسوب شدن سرمایه‌های ایران از خارج از کشور و عدم دسترسی دولت به این منابع، فشارهای اقتصادی سنگین و سنگین‌تر شد. بنابراین، این یک روند ادامه‌دار از گذشته بود.

🔴 به‌دستی دو جریان را تفکیک کردید؛ فشار اقتصادی داخلی و مناقشات بین‌المللی. این دو جریان دقیقاً چگونه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند؟ آیا می‌توان گفت که فشارهای معیشتی، جامعه را برای تأثیرپذیری از مداخلات خارجی

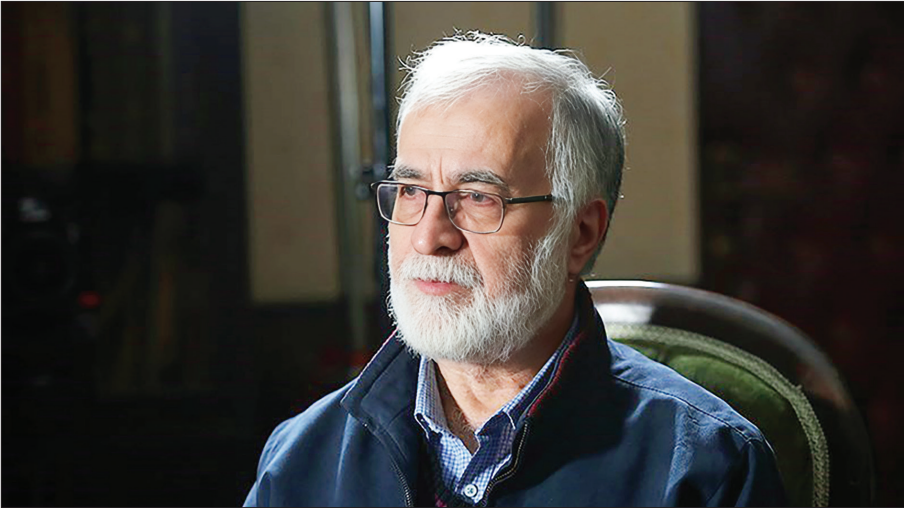
که به آن اشاره کردید، مستعدتر و آسیب‌پذیرتر می‌کند؟

بله دقیقاً همین‌طور است. فرایند و حادثه دیگری که به موازات این فشار اقتصادی آغاز شد و در اینجا باید به آن اشاره کرد، مقوله خشونت‌هایی است که طی دو سال گذشته میان مردم ایران، حاکمیت سیاسی و رقبای یا مخالفان بین‌المللی ظهور پیدا کرده. این روند از زمانی شروع شد که مسئله هسته‌ای ایران به یک موضوع جدی تبدیل شد و ما با صرف هزینه‌های قابل توجه به دستاوردهای چشمگیر و خوبی در حوزه غنی‌سازی اورانیوم دست پیدا کردیم. این پیشرفت مورد پذیرش قدرت‌های بزرگ جهانی قرار نگرفت چراکه کشوری مثل آمریکا همواره این ادعا را مطرح می‌کند که هرگونه فعالیت هسته‌ای در هر نقطه از جهان یا اساساً نباید رخ دهد، یا اگر قرار است سامان پیدا کند باید تحت نفوذ سیاسی و اراده قدرت مسلط جهان، یعنی ایالات‌متحده، باشد. طبیعتاً آنچه در ایران اتفاق افتاد، خارج از این چارچوب بود. ما با آنکا به دانشمندان داخلی و ظرفیت‌های بومی به دستاوردهای ارزشمندی در حوزه نوآوری‌های علمی و شکستن برخی از مرزهای دانش هسته‌ای رسیدیم. این اقدامات از آنجا که با حمایت مقامات سیاسی و دولت همراه بود و خارج از قلمرو نفوذ آمریکا انجام شد، یک مجادله و مناقشه بزرگ میان ایران و آمریکا را رقم زد.

علاوه بر این، ما در عرصه جهانی با چالش‌های دیگری هم روبه‌رو بودیم. یکی از این سرفصل‌ها به مسائل منطقه‌ای، به‌ویژه در جهان

# میهن

### بررسی رویدادهای سیاسی



که ما باید در عرصه سیاست خارجی، فعالانه نقش مؤثر ایفا کنیم و قطع بودن رابطه با دنیای غرب، نمی‌تواند موجب زمین گذاشتن این مأموریت شود.

مسئولان باید درک کنند که «دفاع» و «دیپلماسی» دو روی یک سکه هستند. همان‌طور که ما از تمامیت ارضی خود در برابر دشمن دفاع می‌کنیم، استفاده از ابزار دیپلماسی، گفت‌وگو، مذاکره و حل مسئله به مفهوم سیاسی و کاهش سطح تنش‌ها از طرق گفت‌وگوهای سازنده از تکالیف مهم راهبرد خارجی کشور است. این دو فرایند، در سطوح قدرت سیاسی ایران و ذیل منویات مدیریتی شخص رهبری هم مورد توجه است و ایشان به پیشبرد این روندها علاقه‌مند هستند. به‌همین دلیل لازم است افراد کارآمد این مسیر را به پیش ببرند تا ان‌شاء‌الله بتوانیم این بحران را با موفقیت پشت سر بگذاریم.

🔴 شما به راهکارها اشاره کردید اما پیش از این هم اعتراضاتی در جامعه شکل گرفته بود که به نظر می‌رسد، ریشه‌های آنها آنگونه که باید مورد توجه قرار نگیرد. آقای خاتمی هم اخیراً با اشاره به اینکه «ما از گذشته درس نمی‌گیریم» از این موضوع ابراز تأسف کرده‌اند. به نظر شما، دلیل این عدم عبرت‌آموزی چیست؟

ما در تاریخ تا دو دهه پیش‌مان، یک نقطه تلخ در مناقشه‌های داخلی داریم که به وقایع سال ۸۸ برمی‌گردد. در آن مقطع، یک سوءتفاهم بزرگ رخ داد که در پی آن، این موضوع همچنان به‌عنوان یک مسئله حل نشده در ذهن حاکمیت باقی مانده و نتوانسته است آن را به‌درستی هضم کند. حاکمیت با طرح عناوینی چون «براندازی» و «فتنه»، سبب نارضایتی بخشی از جامعه از خود شد و به دلیل آنکه برخی به اهداف انتخاباتی خود رسیده یا نرسیده بودند، این رابطه دچار ابهام شد و متأسفانه موضوع حل‌نشده باقی ماند. به باور من، این مقاومت‌های بی‌موردی که اکنون شاهد آن هستیم، ریشه در همان دارد. فکری می‌کنم پیام آقای خاتمی هم ناظر بر همین نکته است که اگر قضیه سال ۸۸ حل می‌شد و حکومت در طول تمام سال‌های بعد از آن، به‌طور مداوم عنوان «فتنه‌گری» و «براندازی» را به رخ نمی‌کشید، بخشی از گرفتاری‌های امروز و این اعتراضات به‌وجود نمی‌آمد. اشاره آقای خاتمی هم ناظر به همین ماجراست؛ که به هر حال حکومت‌ها همواره از نقطه اوج قدرت خود شکسته می‌شوند. زمانی که یک قدرت یا یک حاکمیت، احساس قدرت مطلق می‌کند، دقیقاً در همان نقطه باید بفهمد که این می‌تواند نقطه سرآشبی باشد.

قدرت باید متواضع باشد؛ در عین قدرتمندی باید زبان مفاهمه داشته باشد. قدرت باید در عین حال که اقتدار دارد، حال اقلیت را هم به خوبی رعایت کند. این از مختصات سیاست مدرن و ویژگی سیاست‌مدران بزرگ در دنیاست. آنها هرچه قدرتمندتر می‌شوند، زبان مفاهمه، تأثیرگذاری و جذب مخالفان‌شان هم بهتر و کارآمدتر می‌شود. متأسفانه در ایران اینگونه نیست و همین امر، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که در آن شک و تردید ایجاد شود.

🔴 همان‌طور که آقای لاریجانی هم به‌درستی تأکید کرده‌اند، چه معترضان و چه نیروهای حافظ امنیت، فارغ از گرایش‌های فکری و جناحی همگی فرزندان این سرزمین هستند. جزئیات اعتراضات اخیر هنوز به‌طور کامل روشن نشده اما در اعتراضات ۴۰۱ شاهد بودیم که قربانیان آن، چه نیروهای امنیتی شهید شده و چه افرادی که محاکمه یا اعدام شدند، عمدتاً از ساکنان مناطق حاشیه‌ای شهرها بودند. به نظر شما چه عوامل یا چه جریان‌هایی به این تقابل دامن می‌زنند؟ و آیا می‌توان تحولات اخیر را ادامه همان حوادث دانست، یا از نظر ماهیت، باز یگران و عوامل مؤثر، تفاوت‌های اساسی دارند؟

ماجرای سال ۱۴۰۱ کاملاً متفاوت بود. آنچه در آن سال رخ داد مسئله‌ای کاملاً داخلی بود و اعتراضات، ماهیتی مدنی داشت. اما پلیس مقداری برخورد تند و خشونت‌آمیز نشان داد که واکنش جامعه را در پی داشت. البته این واکنش فقط به موضوعات ساده محدود

نماند بلکه ذیل یک عنوان اجتماعی، یعنی مقوله حجاب، دامنه گسترده‌تری یافت و به درگیری میان معترضان داخلی و حاکمیت منجر شد. طبیعتاً بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که اگر مسئولان امنیتی و اطلاعاتی کشور با ملاحظه و دقت بیشتری عمل می‌کردند، چه بسا آن اتفاقات در آن حجم رخ نمی‌داد، بهتر کنترل می‌شد و یا کمتر آسیب می‌زد. اما ماجرای این دوره اصلاً این جنسی نیست؛ در اینجا یک عنصر خارجی دخیل است. صدها هزار قبضه سلاح غیرقانونی وارد کشور شده و شبکه‌های مورد حمایت اسرائیل و آمریکا در حال بهره‌برداری از این ظرفیت هستند. از این جهت وقایع کنونی را نباید با حوادث سال ۱۴۰۱ همسو دید؛ این دو کاملاً متفاوت هستند.

🔴 وظیفه حکومت در این شرایط چیست، در شرایطی که اعتراضات مدنی و اغتشاشات مسلحانه با هم آمیخته شده‌اند؟

حکومت در چنین شرایطی، با توجه به حادثه تلخی که رخ داده، باید تلاش کند تا هوشمندانه میان اعتراضات مدنی و مردمی با اغتشاشات، مرزبندی و تفکیک قائل شود و تا‌زمانی هم که این تفکیک صورت نگیرد این خطر وجود دارد که در روند برخورد با ریشه‌های نفوذ به معترضان واقعی ستم شود و تبعات این برخوردها، ممکن است به بدنه اصلی اعتراضات ملت هم منتقل شود که طبیعتاً، این امر پیامدهای منفی مضاعفی به‌دنبال خواهد داشت.

🔴 یکی از تفاوت‌های این دوره با اعتراضات گذشته، برجسته شدن نام «رضا پهلوی» به‌عنوان یک آلترناتیو بود. درحالی‌که او پیش از این، جایگاه محوری در میان اپوزیسیون نداشت و در وقایع ۴۰۱ هم شاهد بودیم که او صرفاً یکی از اعضای یک منشور ائتلافی بود. به نظر شما، چه عاملی باعث شد، نام او این بار تا این حد مطرح شود و این پروژه از سوی چه کسانی و با چه هدفی دنبال شد؟

آقای رضا پهلوی هیچ‌وقت یک جایگزین (آلترناتیو) جدی نبوده و اساساً چه در میان اپوزیسیون داخل و چه خارج از کشور فاقد وزن و جایگاه سیاسی قابل توجهی بوده و هیچ‌وقت به‌عنوان یک چهره اثرگذار منشأ اهمیت نبوده است. چون او در سنین جوانوانی (حدود ۱۶ سالگی) زمانی که سلطنت را از پدرش گرفتند، در آمریکا مشغول به تحصیل بود و از سال ۱۳۵۷ تا به امروز، یعنی برای نزدیک به نیم قرن، اساساً زندگی ایرانی نداشته و در فضای ایران هم تنفس نکرده بنابراین با فضای سیاسی و اجتماعی داخل کشور بیگانه است و درک روشنی هم از مفاهیمی مثل سیاست، ملیت و ایرانیت ندارد چراکه برای چنین جایگاهی تربیت نشده و آموزش ندیده و هیچ‌وقت هم فرصت یا چشم‌اندازی برای جانشینی پدرش، حتی در تصورات خودش هم نداشته است. ریشه آن هم به نوع تربیت خانوادگی‌اش برمی‌گردد. اینکه پدربزرگش، رضاشاه، قدر قدرت و مدعی بود و یک قزاق بود که در سرش سودای قدرت و عرصه و حاکمیت داشت به کنار. حتی محمدرضا فرزند رضاخان که پدر همین ولیعهد می‌شود هم اساساً فاقد چنین ظرفیتی بود. به قدرت رسیدن او، نتیجه یک حادثه تاریخی در سال ۱۳۲۰ بود. قرار بر این بود که سلسله پهلوی در آن مقطع، منقرض شود یا با رفتن رضاشاه اصلاحات ساختاری صورت بگیرد. اما با مدیریت محمدعلی فروغی و برای جلوگیری از انقراض سلسله پهلوی، محمدرضا که ظرفیت حکومت به‌معنای مصطلح پدرش را هم نداشت، جایگزین رضاخان شد. حالا این نوه یعنی رضا پهلوی، نه تنها هیچ ردی از خون پدربزرگش در او نیست بلکه اگر او را با پدرش در همان سال ۱۳۲۰ مقایسه کنیم حتی به لحاظ وضعیت کلی از او هم ناتوان‌تر به نظر می‌رسد. علاوه بر این، او یک تربیت ۵۰ ساله غربی دارد، در آمریکا بزرگ شده و زندگی‌اش مشحون از خوش‌گذرانی و بهره‌مندی از دنیا بوده و طبیعتاً چنین شخصی کلاً نمی‌تواند به‌عنوان رهبر یک جریان جایگزین مطرح شود.

🔴 به فقدان یک آلترناتیو معتبر به‌عنوان یکی از دلایل شکست پروژه مخالفان اشاره کردید. از این منظر، آیا تلاش برای مطرح کردن شخصی مانند رضا پهلوسوی یک خطای راهبردی از سوی نیروهای خارجی بود و ایسن تجربه، چه چشم‌اندازی را برای آینده تحولات ایران پیش روی آنها قرار داد؟ بله، همان‌طور که در ابتدای صحبت هم اشاره کردم، یکی از خطاهای راهبردی آمریکایی‌ها در دامن زدن به این اعتراضات، این بود که پیش از برگزیدن یک عنصر رهبری‌کننده و معتبر در این رقابت‌های سیاسی و عملیاتی، دست به این خشونت‌ها زدند و بعد از عملیات‌شان از سر استیصال به شخصی مثل رضا پهلوی متوسل شدند؛ البته متوسل هم نشدند، در واقع، این اسرائیلی‌ها بودند که این بازی را طراحی کردند، دست بر قضا آمریکایی‌ها خیلی روی رضا پهلوی تمرکز نکردند. چنانکه در یکی دو سال گذشته دیدیم، او را به اسرائیل بردند و بازی‌هایی سر او درآوردند که همان آبروی اندک احتمالی‌اش هم از بین رفت. طبیعتاً چنین شخصیتی قابلیت بهره‌برداری سیاسی ندارد و به نظر من، مطرح کردن نام او اقدامی کاملاً ناشیانه بود و جواب نمی‌داد.

امروز تحلیلگران عاقل و فهیم آمریکایی حتی آنهایی هم که از موضع مخالفت با جمهوری اسلامی تحلیل می‌کنند به این جمع‌بندی منطقی رسیده‌اند که اگر قرار است، تحولی در ایران رخ دهد این تحول باید از داخل ایران نشأت بگیرد. اگرچه آنها هم بر این باورند که انقلاب و تحول از جنس به هم خوردن نظم سیاسی خیلی پاسخ مناسبی برای آینده ایران نیست و ردیای این تغییر و تحول باید با عملیاتی کردن رویکردهای اصلاحی گروه‌های سیاسی خیرخواه ایران و توسط نیروهای عمل‌کننده داخل انجام شود.



حساس شهر بر تش‌ها افزوده است. بازداشت ده‌ها روحانی در جریان مسدودسازی فرودگاه مینیاپولیس-سنت پل، بعد اخلاقی این جنبش را برجسته‌تر کرده و نافرمانی مدنی را به یکی از ارکان اصلی آن بدل کرده است. براساس داده‌های «پروژه داده‌های مکان و رویدادهای درگیری مسلحانه» (ACLEd)، مینه‌سوتا اکنون بالاترین میزان رویارویی فیزیکی میان نیروهای مجری قانون و معترضان حامی مهاجرت را در کشور تجربه می‌کند. با نزدیک شدن به پایان ژانویه ۲۰۲۶ وضعیت همچنان ناپایدار است؛ مطالبات معترضان بی‌پاسخ مانده و در مقابل، مقامات فدرال از گسترش عملیات سخن می‌گویند. با این حال، موفقیت اعتصاب اقتصادی، این جنبش را به الگوی بالقوه برای مقاومت‌های مشابه در دیگر کلان‌شهرهای آمریکا تبدیل کرده است.

#### دیپلماسی

### درخواست ترامپ از بولیوی

آمریکای جنوبی زیر فشار ترامپ قرار می‌گیرد

رسانه انگلیسی روز شنبه نوشته، واشنگتن در حال اعمال فشار بر بولیوی است تا آنچه «افراد مظنون به جاسوسی برای ایران» خوانده را از این کشور آمریکای جنوبی اخراج کند همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های به‌اصطلاح «تروریستی» قرار دهد.

به نوشته رویترز، واشنگتن همچنین از لاپاز خواسته حزب‌الله و حماس را به‌عنوان سازمان‌های تروریستی معرفی کند. این رسانه انگلیسی نوشته این فشار دیپلماتیک غیرعقلی در چارچوب تلاش گسترده‌تر آمریکا برای تعمیق نفوذ ژئوپلیتیکی خود در آمریکای لاتین و کاهش نفوذ رقبای خود در این منطقه صورت می‌گیرد.

پس از عملیات غیرقانونی در اوایل ماه ژانویه برای ربایش «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا، مقام‌های آمریکایی به‌سرعت دولت «دلسی رودریگز» رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا را تحت‌فشار قرار دادند تا همکاری‌های اقتصادی و امنیتی میان کاراکاس و تهران را محدود کند. ونزوئلا و ایران سال‌ها متحدان نزدیک یکدیگر بوده‌اند. پیش از این، دلسی رودریگز ضمن تأکید بر حاکمیت و استقلال کشورش، گفته بود که «ونزوئلا حق دارد با چین، روسیه، کوبا و ایران ارتباط داشته باشد». وزارت خارجه بولیوی در پاسخ به رویترز اعلام کرد که «هنوز موضع کاملاً مشخص و نهایی در این زمینه وجود ندارد». وزارت خارجه آمریکا به درخواست برای اظهارنظر پاسخی نداد و نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد نیز از اظهارنظر خودداری کرد. «اوو مورالس» رئیس‌جمهور پیشین همچنین «لویس آرسه» رئیس‌جمهور چپ‌گرای بولیوی که از سال ۲۰۲۰ تا اواخر سال گذشته قدرت را در دست داشت از دید مقام‌های آمریکایی تمایلی به تلاش‌ها برای دور کردن لاپاز از تهران نداشتند. با این حال، اکنون مقام‌های آمریکایی معتقدند پس از پیروزی «رودریگو پاز» در انتخابات ماه اکتبر، فرصت ویژه‌ای به‌دست آمده است. رویترز نوشته اگرچه تلاش کنونی برای ایجاد شکاف ژئوپلیتیکی میان ایران و آمریکای لاتین موضوع تازه‌ای نیست اما نشانه‌هایی وجود دارد که این تلاش‌ها در حال شدت گرفتن است.



تعطیلی بیش از ۷۰۰ واحد اقتصادی، از کسب‌وکارهای کوچک محلی گرفته تا مراکز فرهنگی بزرگی مانند تئاتر گاتری و موزه علوم مینه‌سوتا بود. مشارکت کارکنان حوزه سلامت و معلمان نیز نشان داد که مطالبات معترضان صرفاً به مهاجرت محدود نیست بلکه نگرانی‌هایی گسترده‌تر درباره امنیت اجتماعی و نظامی‌سازی فضا‌های عمومی را در بر می‌گیرد. در سطح سیاسی، واکنش‌های متناقض دولت‌های ایالتی و فدرال، شکاف‌های عمیقی را آشکار کرده است. درحالی که فرماندار مینه‌سوتا و دادستان کل این ایالت از مسیرهای قضایی برای به چالش کشیدن اقدامات فدرال استفاده می‌کنند، دولت مرکزی با تهدید به توسل به «قانون شورش» پاسخ داده است. این تقابل به تسلید فضای امنیتی انجامیده و استفاده از گاز اشک‌آور و مهمات کم‌کشنده در اطراف مراکز

۲ بازدارندگی چین در هند-اقیانوس آرام «از طریق قدرت، نه تقابل: راهبرد دفاع ملی ۲۰۱۸ نخستین دولت ترامپ، چین را به‌طور کامل به‌عنوان چالشگر اصلی در عصر «رقابت قدرت‌های بزرگ» معرفی کرد. نسخه ۲۰۲۲ دولت بایدن این رویکرد را تشدید و چین را «چالش تعیین‌کننده» وزارت دفاع نامید. نسخه ۲۰۲۶ بازدارندگی چین در هند-اقیانوس آرام را دومین اولویت می‌داند و بر ثبات راهبردی و کاهش تنش تأکید می‌کند. با این حال، سند بر تقویت دفاع بازدارنده در امتداد «زنجره جزایر نخست» و همکاری نزدیک با متحدان برای جلوگیری از هرگونه اقدام تهاجمی علیه منافع آمریکا پافشاری دارد. جالب آنکه نام «تاپوان» در هیچ جای سند نیامده است.

۳ افزایش سهم‌پذیری متحدان و شرکا: افزایش سهم‌پذیری متحدان و شرکا در جایگاه سوم قرار دارد و انتظار می‌رود، کشورها مسئولیت اصلی دفاع در مناطق خود را برعهده بگیرند. در مورد شبه‌جزیره کره، سند تصریح می‌کند که کره‌جنوبی قادر و مایل است مسئولیت اصلی بازدارندگی کره‌شمالی را با حمایت محدودتر آمریکا برعهده گیرد. همچنین نشانه‌هایی از کاهش حضور در اروپا دیده و تأکید می‌شود که اروپا توان لازم برای دفاع متعارف از خود و حمایت از اوکراین را دارد.

۴ شتاب‌بخشی به پایه صنعتی دفاعی آمریکا: در نسخه ۲۰۲۶ سلامت پایه صنعتی دفاعی به‌عنوان چهارمین محور اصلی مطرح شده است. سند بدون ارائه جزئیات از اقدام فوری برای بسیج، نوسازی و ایمن‌سازی این پایه سخن می‌گوید تا صنعت دفاعی آمریکا برای چالش‌های عصر حاضر آماده شود؛ همان‌گونه که در قرن گذشته بود.

در سند راهبرد دفاعی جدید پنتاگون، بار دیگر این ادعا تکرار شده که واشنگتن اجازه نخواهد داد، ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد و حملات غیرقانونی به تأسیسات هسته‌ای ایران به‌عنوان نشانه‌ای از تحقق عملی این سیاست معرفی شده است. براساس این راهبرد، پنتاگون گفته ایران مصمم به بازسازی توان نظامی متعارف خود است. در این سند ادعا شده که رهبران ایران احتمال تلاش دوباره برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را منتفی ندانسته‌اند؛ ازجمله از طریق خودداری از ورود به مذاکراتی که واشنگتن آن را «معنادار» توصیف می‌کند. در بخش دیگری از این سند از نیروهای موسوم به «نیابتی ایران» به‌عنوان بازیگرانی یاد شده که در پی بازسازی زیرساخت‌ها و توانمندی‌های خود هستند. پنتاگون همچنین مدعی تضعیف موقعیت ایران شده است.

# مینیاپولیس در آتش اعتراض

## خشم مردم آمریکا علیه اداره مهاجرت و گمرک

در محافل خصوصی نسبت به تداوم و گسترش این اعتراض‌ها، به‌ویژه در مینیاپولیس، ابراز نگرانی و خستگی کرده است. این موج اعتراضی پس از کشته شدن یک شهروند آمریکایی به‌دست مأموران ICE از سطح ناراضیاتی‌های محلی فراتر رفت و به جنبشی سراسری علیه سیاست‌های مهاجرتی دولت واشنگتن بدل شد؛ جنبشی که اکنون نشانه‌هایی از انسجام و تداوم را در خود دارد. ریشه ناآرامی‌های کنونی به هفتم ژانویه ۲۰۲۶ بازمی‌گردد؛ زمانی که «رنی نیکول گود»، شهروند ۳۷ ساله آمریکایی، در جریان یک عملیات اجرایی ICE هدف گلوله قرار گرفت و جان باخت. انتشار گسترده ویدئوی این حادثه در کنار تیراندازی مشابهی در ۱۴ ژانویه خشم عمومی را شعله‌ور و زیرساخت‌های سازمانی باقی‌مانده از اعتراضات عدالت نژادی سال ۲۰۲۰ را دوباره فعال کرد. این پیش‌بین به معترضان امکان داد تا در زمانی کوتاه، شبکه‌ای منسجم از گروه‌های اجتماعی، مذهبی و صنفی را شکل دهند. آنچه این اعتراضات را از نمونه‌های پیشین متمایز می‌کند، راهبردی است که سازمان‌دهندگان آن را «خاموشی اقتصادی» می‌نامند. اوج این رویکرد در اعتصاب عمومی ۲۳ ژانویه ۲۰۲۶ نمایان شد؛ روزی که با عنوان «روز حقیقت و آزادی» شناخته شد و بیش از صد اتحادیه کارگری و نهاد اجتماعی در آن مشارکت داشتند. نتیجه این اقدام

گروه بین الملل: مینیاپولیس، بزرگ‌ترین شهر ایالت مینه‌سوتا در روزهای اخیر به کانون یکی از کم‌سابقه‌ترین اعتراضات مردمی علیه سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده تبدیل شده است؛ اعتراضاتی که با وجود سرمای بی‌سابقه، خیابان‌ها را مملو از جمعیتی خشمگین و مصمم کرد. ده‌ها هزار نفر با تحمل دمای منفی ۲۹ درجه سانتی‌گراد به خیابان‌ها آمدند تا خواستار اخراج مأموران اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) از این شهر شوند؛ نهادی که معترضان آن را نماد عینی سرکوب دولتی و نقض حقوق بشر می‌دانند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، حدود ۵۰ هزار نفر شامگاه جمعه در مرکز شهر مینیاپولیس تجمع کردند و با سر دادن شعارهایی تند، پایان سیاست‌های مهاجرتی دولت دونالد ترامپ را مطالبه کردند. از نگاه معترضان، اقدامات خشونت‌بار مأموران مسلح ICE نه‌تنها مهاجران بلکه شهروندان آمریکایی را نیز هدف قرار داده و امنیت اجتماعی را به‌شدت تضعیف کرده است. در همین راستا، حضور نیروهای اتحادیه‌های کارگری و اعلام اعتصاب عمومی از سوی بخش‌هایی از نیروی کار، به اعتراض‌ها بعدی فراتر از یک تجمع خیابانی بخشید و آن را به یک حرکت اجتماعی سازمان‌یافته تبدیل کرد. شبکه خبری سی‌ان‌ان نیز گزارش داد که دونالد ترامپ

#### آمریکا

## چهار برنامه پنتاگون

### سند راهبرد دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۲۶ منتشر شد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

پنتاگون نسخه به‌روزرسانی شده سند راهبرد دفاع ملی ایالات متحده در سال ۲۰۲۶ را منتشر کرده که شامل اولویت‌های این وزارتخانه و رویکردهای جدید در قبال کشورهای نیم‌کره غربی، ایران، اروپا و منطقه آسیا-اقیانوسیه می‌شود. نسخه غیرمحرمانه راهبرد دفاع ملی (NDS) پنتاگون، دفاع از سرزمین اصلی آمریکا را به‌عنوان اولویت شماره یک این وزارتخانه معرفی می‌کند؛ اولویتی بالاتر از منطقه هند-اقیانوس آرام و به‌گونه‌ای تلویحی از کاهش‌های احتمالی در نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا و کره‌جنوبی خبر می‌دهد. با این حال، این سند هرگونه گرایش به «انزواطلبی» را رد

کرده و در عین حال خواستار افزایش سهم‌پذیری متحدان در باره دفاعی و سرمایه‌گذاری بیشتر در پایه صنعتی دفاعی شده است. راهبرد دفاع ملی که تشریح می‌کند، وزارت دفاع چگونه از رهنمودهای راهبرد امنیت ملی (NSS) پیروی خواهد کرد به‌طور سنتی یکی از اسناد بنیادین پنتاگون به‌شمار می‌رود. اما برخلاف انتشارهای گذشته، این بار وزارت دفاع بدون هیاهوی معمول عمل و سند را بدون هیچ‌گونه اطلاع قبلی منتشر کرد. انتشار این سند همچنین با ویدئویی از سوی وزیر دفاع، پیت هگست، همراه نشد؛ روشی که به شکل ترجیحی او برای اعلام تصمیم‌ها تبدیل شده بود. این سند غیرمحرمانه از نظر جزئیات چندان پررجم نیست، با این حال نشانه‌های روشنی برای متحدان، شرکا و صنعت دفاعی درباره اولویت‌های رهبری پنتاگون در دولت ترامپ ارائه می‌دهد.

همچنین تفاوت‌های سیاسی آشکاری میان سند راهبرد دفاع ملی سال ۲۰۲۲ و نسخه جدید دیده می‌شود. برای نمونه نام «رئیس‌جمهور بایدن» تنها دو بار در سند قدیمی آمده، درحالی که نام «رئیس‌جمهور ترامپ» با وجود تعداد صفحات کمتر ۴۷ بار در فایل بی‌دی‌اف نسخه ۲۰۲۶ تکرار شده است. انتشار سند راهبرد دفاع ملی چند هفته پس از آن صورت گرفت که کاخ سفید در دسامبر راهبرد امنیت ملی خود را منتشر کرد؛ سندی که تمرکز آمریکا را بیش از هر زمان در دهه‌های گذشته بر نیم‌کره خود معطوف می‌کند. پیت هگست در سخنرانی دسامبر خود در «انجمن دفاعی ریگان» گفت: «پس از سال‌ها غفلت، ایالات متحده برتری نظامی خود را در

نیم‌کره غربی احیا خواهد کرد. ما از آن برای دفاع از سرزمین اصلی و دسترسی به نقاط کلیدی منطقه استفاده می‌کنیم همچنین توانایی دشمنان برای استقرار نیرو یا قابلیت‌های تهدیدآمیز در نیم‌کره خود را سلب خواهیم کرد».

او افزود: «دولت‌های پیشین این باور را ترویج کردند که دکتین مونرو منقضی شده است. آنها اشتباه می‌کردند. دکتین مونرو برقرار است و از همیشه قوی‌تر شده است». تأکید فزاینده بر قاره آمریکا در هر دو راهبرد، در شرایطی قابل انتظار بود که دولت ایالات متحده در حال اعزام گسترده دارایی‌های دریایی به منطقه و هدف قرار دادن کشتی‌هایی است که مدعی است حامل مواد مخدرند و اخیراً نیز در اوایل ژانویه، عملیاتی نظامی را برای دستگیری نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، انجام داده است. چهار اولویت اصلی پنتاگون بر این اساس به شرح زیر است:



۱ دفاع از سرزمین اصلی آمریکا: با توجه به راهبرد امنیت ملی، تمرکز بر قاره آمریکا قابل پیش‌بینی بود اما در مقایسه با نسخه‌های پیشین همچنان چشمگیر است. در این سند آمده است: «همان‌گونه که رئیس‌جمهور ترامپ گفته، اولویت نخست نیروهای مسلح آمریکا، دفاع از سرزمین اصلی است. از این‌رو، وزارت دفاع این هدف را در اولویت قرار می‌دهد؛ ازجمله با دفاع از منافع آمریکا در سراسر نیم‌کره غربی». این امر شامل ایمن‌سازی مرزها، مقابله با قاچاق-تروریسم و حفاظت از آسمان‌هاست. این سند به ابتکار «گنبد طلایی» ترامپ، تمرکز تازه بر سامانه‌های ضدپهبادی و یک بازدارندگی هسته‌ای «قوی و مدرن» به‌عنوان ارکان این راهبرد اشاره می‌کند. همچنین تفسیر جدید ترامپ از دکتین مونرو را برجسته می‌سازد؛ تفسیری که ممکن است شرکای منطقه‌ای را نگران کند. در سند آمده است: «ما دسترسی نظامی و تجاری آمریکا به نقاط کلیدی، به‌ویژه کانال پاناما، خلیج آمریکا و گرینلند را تضمین خواهیم کرد».





سال هشتم شماره ۲۱۶۹  
یک‌شنبه ۵ بهمن ۱۴۰۴

گزارش: سینمای جهان

## خرگوش پلیس دیزنی روی قله

«زوتروپولیس ۲» پرفروش‌ترین فیلم انیمیشن تاریخ هالیوود

«زوتروپولیس ۲» که در برخی کشورها به‌نام «زوتویا ۲» شناخته می‌شود، اکنون پرفروش‌ترین فیلم انیمیشن تاریخ هالیوود است و در مجموع ۱.۷ میلیارد دلار (۱.۳ میلیارد پوند) در گیشه‌های جهانی فروش داشته است. این فیلم رکورد فیلم قبلی «درون بیرون ۲» را شکست، که پس از اکران در سال ۲۰۲۴، ۱.۶۹ میلیارد دلار فروخته بود.

«زوتروپولیس ۲» اکنون نهمین فیلم موفق در تاریخ فروش جهانی سینماست، پس از آتاری مانند «آواتار»، «انتقام‌جویان: پایان بازی»، «آواتار: مسیر آب»، «تایتانیک» و «جنگ ستارگان: نیرو بیدار می‌شود». با این حال و با وجود رکوردشکنی هالیوودی، پرفروش‌ترین فیلم انیمیشن جهان، همچنان «نه‌زا ۲» چین است که سال گذشته ۲.۲ میلیارد دلار (۱.۶۵ میلیارد پوند) فروش داشت. «زوتروپولیس ۲» که در نوامبر اکران شد و بودجه تقریبی ۱۵۰ میلیون دلار (۱۱۲ میلیون پوند) داشت، دنباله فیلم «زوتروپولیس» محصول ۲۰۱۶ است. در این فیلم، افسر پلیس خرگوشی «جودی هاپس» (با صدایشگی «جینیفر گووین») دوباره با روباه کلایبردار «نیک وایلد» (با صدایشگی جیسون بیتمن) متحد می‌شود تا ساکن اسرارآمیز خزنده‌ای به‌نام «گری د سنیک» (با صدایشگی «کی هوی کوان») را دنبال کنند.

این فیلم به بزرگ‌ترین افتتاحیه جهانی تاریخ انیمیشن، بزرگترین آغاز اکران جهانی سال ۲۰۲۵، بزرگترین افتتاحیه جهانی یک انیمیشن در تاریخ دیزنی دست یافت و تنها در ۱۷ روز فروش جهانی‌اش از مرز ۱ میلیارد دلار عبور کرد. همچنین «زوتویا ۲» پنجمین فیلم میلیارددلاری استودیوی والت‌دیزنی انیمیشن از سال ۲۰۱۳ تاکنون شد؛ در ادامه مسیر آتاری چون یخ‌زده، یخ‌زده ۲، موانا و زوتویا.

آلن برگمن، رئیس مشترک بخش سرگرمی «دیزنی»، در بیانیه‌ای گفت: «این موفقیت پیش از هر چیز متعلق به طرفداران سراسر جهان است که با اشتیاق‌شان آن را ممکن کردند. ما به‌شدت به فیلمسازان‌مان جرد بوش، بایرون هاوارد و ایوت مرینو و همه اعضای تیم در استودیوی والت‌دیزنی انیمیشن افتخار می‌کنیم که فیلمی خلق کردند که این‌چنین عمیق با مخاطبان در همه‌جا ارتباط برقرار می‌کند. زوتویا ۲ یک دستاورد استثنایی است و از همه کسانی که به‌جان گرفتن آن کمک کردند، سپاسگزاریم».

جرد بوش، کارگردان فیلم، درباره‌اش گفت: «یکی از هیجان‌انگیزترین چیزها وقتی این فیلم را در سراسر دنیا نمایش می‌دهیم، این است که بخش‌های مختلف‌اش برای آدم‌های مختلف می‌درخشد. این موضوع بسته به اینکه کجای دنیا باشید تغییر می‌کند؛ به‌ویژه در چین که این فیلم واقعاً فراتر از تمام انتظارات ما ظاهر شده است. دنیای زوتویا جایی است که واقعاً می‌توانیم آن‌های مقابل طبیعت انسانی بگیریم. خوبی و بدی‌اش این است که چیزهای بسیار زیادی هست که همچنان باید درباره یکدیگر یاد بگیریم و بفهمیم».

بایرون هاوارد، دیگر کارگردان فیلم، با اشاره به اینکه «زوتویا ۲» دنباله یک فیلم برنده اسکار است، می‌گوید دیدن تأثیر مشابه فیلم بر مخاطبان بسیار دلگرم‌کننده بوده است: «دیدن اینکه زوتویا ۲ در میان طیف گسترده‌ای از تماشاگران جا افتاده و شنیدن این حس شادی و اطمینان و اینکه چقدر آدم‌ها واقعاً زحمت کشیده‌اند و به سینما آمده‌اند و روی آن صندلی‌ها نشسته‌اند، برای ما امیدبخش بوده است».

«نه‌زا ۲» بخش اعظم فروش ۲.۲۱ میلیارد دلاری خود را در چین به‌دست آورده است. «زوتروپولیس ۲» پیش از این، هنگام اکران هم‌زمان با تعطیلات «روز شکرگزاری» در آمریکا، بزرگ‌ترین افتتاحیه آخر هفته را برای یک فیلم انیمیشن تجربه کرده بود و سریع‌ترین فیلم انیمیشن هالیوود بود که به مرز فروش ۱ میلیارد دلار (۷۵۰ میلیون پوند) در سطح جهانی رسید. با این حال، فیلم فانتزی ماجراجویانه «نه‌زا ۲» همچنان پشت‌از است و بیشترین فروش ۲.۲ میلیارد دلاری خود را در چین کسب کرده است.

پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما (فروش جهانی)

آواتار (۲۰۰۹): ۲.۹۲ میلیارد دلار، انتقام‌جویان: پایان بازی (۲۰۱۹): ۲.۷۹ میلیارد دلار، آواتار: مسیر آب (۲۰۲۲): ۲.۲۵ میلیارد دلار، تایتانیک (۱۹۹۷): ۲.۲۶ میلیارد دلار، نه‌زا ۲ (۲۰۲۵): ۲.۲۱ میلیارد دلار، جنگ ستارگان: نیرو بیدار می‌شود (۲۰۱۵): ۲.۰۷ میلیارد دلار، انتقام‌جویان: جنگ بی‌نهایت (۲۰۱۸): ۲.۰۵ میلیارد دلار، مرد عنکبوتی: راهی به‌خانه نیست (۲۰۲۱): ۱.۹۲ میلیارد دلار، زوتروپولیس ۲ (۲۰۲۵): ۱.۷۰ میلیارد دلار و درون بیرون ۲ (۲۰۲۴): ۱.۶۹ میلیارد دلار.



یک کمربند جغرافیایی مشخص رخ دادند: شهرهای کوچک و متوسط حاشیه زاگرس مانند همدان، نهاوند، ملایر، خرم‌آباد، کوهدشت، ایلام، کرمانشاه، اسلام‌آباد غرب و... در کنار چند نقطهٔ پراکنده در استان‌های دیگر، هستهٔ اصلی اعتراضات را شکل دادند. در این مناطق اگرچه حضور نسل جوان و دهه هشتادی‌ها پررنگ بود، اما حضوری متمایز نبود.

در مقابل، چند پهنهٔ مهم جغرافیایی در روزهای نخست به‌طور معناداری ساکت یا کم‌تحرک بودند: ۱- مناطق مرکزی فلات ایران: اصفهان، یزد، سمنان، کرمان - به‌جز یکی دو شهر با تجمع محدود. ۲- جنوب بندری کشور: هرمزگان و بوشهر، به‌استثنای قشم و چند نقطهٔ پراکنده، شاهد اعتراضات گسترده نبودند. ۳- در آغاز کلان‌شهرها و به‌ویژه مناطق مرکزی آن‌ها برخلاف موج‌های قبلی، کانون اعتراض نبودند، اما رفته رفته به اعتراض پیوستند. مشهد یکی از شهرهایی بود که خیلی زودتر از دیگر کلان‌شهرها به اعتراض پیوست و به عنوان موردی برای مطالعه قابل تأمل است. ۴- مناطق قومی مرزی معترض سابق: کردستان و سیستان‌و بلوچستان و آذربایجان‌ها، که در ۱۴۰۱ نقش محوری داشتند، در آغاز عمدتاً ساکت بودند. اغلب شهرهایی که در روزهای نخست این موج اعتراض کردند، شهرهای کوچک و متوسط‌اند؛ شهرهایی با جمعیتی معمولاً بین ۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر. این شهرها در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران موقعیتی خاص دارند: آن‌ها نه از اقتصاد متنوع و فرصت‌های جذب شوک در کلان‌شهرها برخوردارند و نه از سازوکارهای خودیاری و معیشت سنتی روستاها. شهرهای حاشیهٔ زاگرس که نخستین جرقه‌های اعتراضات پس از بازار تهران در آن‌جا دیده شد، درحالی‌که ارتباط ارگانیک با کشورهایی در بیرون مرزهای کشور ندارند و در طول تاریخ نیروی مقابل جدایی‌طلبی بوده‌اند، بر اساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان بیش‌ترین احساس تبعیض قومیتی را تجربه می‌کنند.

شاید مهم‌ترین تفاوت این موج با ۱۴۰۱ (دست‌کم در روزهای نخست) غیبت طبقهٔ متوسط شهری باشد که در دو دههٔ اخیر موتور اصلی اعتراضات مدنی و فرهنگی بود. این غیبت در روزهای نخستین تا پایان اثرش را بر شعارها گذاشت و تقریباً هیچ یک از مطالبات ایجابی این طبقه به ویژه آن‌چه در اعتراضات ۱۴۰۱ برجسته شده بود، در شعارها شنیده نشد. شعارهای این موج عمدتاً سلبی بودند و شعارهای ایجابی نیز عمدتاً حول محور بازگشت شخصی خاص بود.

بسیاری از تحلیل‌گران جنس اعتراضات ۱۴۰۴ را با اعتراضات ۱۳۹۸ و حتی ۱۳۹۶ مقایسه می‌کنند و اعتراضات ۱۴۰۱ را پدیده‌ای متفاوت در روند اعتراضات ارزیابی می‌کنند. یکی از ویژگی‌های اعتراضات ۱۳۹۸ حضور پررنگ پسران نوجوان و دبیرستانی بود. این اعتراضات که بیش‌تر در شهرهای کوچک و حاشیهٔ شهرهای بزرگ در اعتراض به گرانی بنزین رخ داده بود، سرنوشتی خشونت‌بار داشت. اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ نیز اگرچه در آغاز از بازار و در اعتراض به گرانی شکل گرفت اما چیزی نگذشت که این اعتراضات به شهرهای کوچک و بزرگ حاشیهٔ زاگرس کشیده شد و با گسترش آن به شهرهای مختلف سن کشش‌گران میدانی پایین‌تر آمد. با این حال نه اعتراضات ۱۳۹۸ و نه اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ هیچ کدام به اعتبار حضور نوجوانان و دههٔ هشتادی‌ها به این نسل نسبت داده نشد، شاید به این دلیل که در مطالبات سلبی و ایجابی این اعتراضات، اشاره‌ای به مطالبات این نسل نبود. پس از فراخوان‌های خارج از کشور نیز به‌رغم مشارکت گروه‌های سنی متفاوت، خبری از این مطالبات در میان نبود و اعتراضات سمت و سوی مشخصی به خود گرفت و رسانه‌های فعال نیز این وجه از اعتراضات را برجسته کردند و ویژگی‌های دیگر آن نادیده گرفته شد. جمعیت معترضان به‌رغم شعارهای نسبتاً یکسان و هم‌مونی برخی شعارها جمعیتی متکثر است که در آن صدای دههٔ هشتادی‌ها در صدای جمعیت منحل شده است اما آیا این انحلال خودخواسته و گذشتن از صدای خودشان به نفع صدای هژمونیک نیست؟

جغرافیای اعتراضات و دهه هشتادی‌ها

اعتراضات اجتماعی فقط مجموعه‌ای از شعارها و تجمع‌ها نیستند؛ آنها همواره در مکان رخ می‌دهند و مکان، معنا تولید می‌کند. این‌که اعتراض در کدام شهر، کدام محله و کدام پهنه جغرافیایی بروز می‌کند به همان اندازه مهم است که خود اعتراض. موج اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ از این نظر واجد اهمیتی مضاعف است زیرا الگوی جغرافیایی آن در آغاز به‌طور معناداری با موج‌های پیشین، به‌ویژه اعتراضات ۱۴۰۱ تفاوت دارد. این تفاوت، صرفاً تفاوت در شدت یا شعار نیست؛ بلکه نشانهٔ جابه‌جایی مرکز ثقل نارضایتی اجتماعی در ایران است. نقشهٔ پراکندگی اعتراضات (براساس گزارش‌های خبری، داده‌های شبکه‌های اجتماعی در هفتهٔ اول اعتراضات و پیش از فراخوان از خارج) نشان می‌داد که بیش‌ترین تجمع‌ها در

شناسه آگهی: ۲۰۹۹۳۳۴

## فراخوان تجدید (۱) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی خرید دو دستگاه ایکس ری موبایلی پس پراکنده (Backscatter)

گمرک جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به خرید دو دستگاه ایکس ری موبایلی پس پراکنده (Backscatter) گمرک جمهوری اسلامی ایران خود از طریق تجدید (۱) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی اقدام نماید. بدینوسیله از اشخاص (حقیقی/احقوقي) واجد شرایط، جهت شرکت در این مناقصه به شرح ذیل دعوت بعمل می آید:

۱- تجدید (۱) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی:

| ردیف | شماره فراخوان  | موضوع                                                   | مبلغ تضمین (ریال) |
|------|----------------|---------------------------------------------------------|-------------------|
| ۱    | ۲۰۴۰۳۰۰۴۰۰۰۰۲۴ | خرید دو دستگاه ایکس ری موبایلی پس پراکنده (Backscatter) | ۴۵,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰    |

۲- تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا واریز وجه نقد به حساب شماره ۳۰۶۳۷۰۳۰۶۳۷۰۱۱۰۱۰۴۰۰ به نام تمرکز وجوه سپرده گمرک ج.ا. می باشد.

۳- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه، ارسال پیشنهاد و بازگشایی پاکت ها:

۱-۳- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام می‌پذیرد و مهلت دریافت اسناد از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۱ الی ساعت ۱۶:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ می‌باشد.

۲-۳- پاکت الف حاوی اصل تضمین حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ به نشانی: تهران- بالاتر از میدان ولیعصر - جنب کوچه شهیدقیومی- ساختمان مرکزی گمرک جمهوری اسلامی ایران- طبقه اول- اداره ۹- اداره کل توسعه و تجهیز- اتاق ۱۰۹ تحویل گردد.

۳-۳- مهلت ارسال الکترونیکی پاکت های پیشنهاد حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ از طریق سامانه ستاد می‌باشد.

۴-۳- زمان بازگشایی پاکت مناقصه روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ ساعت ۱۰ صبح خواهد بود.

مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سامانه ستاد، پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات وپورتال گمرک به نشانی [www.irica.gov.ir](http://www.irica.gov.ir) مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱-۸۲۹۹۲۱۲۰ تماس حاصل نمایند.

م الف ۳۹۳۹

شناسه آگهی ۲۰۹۹۷۰۵ نوبت دوم

## آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای یکپارچه (بعد از تجدید)

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه سوم در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصهٔ عمومی دو مرحله‌ای یکپارچه‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

| شماره فراخوان در سامانه ستاد ایوان                                               | شماره مناقصه و تقاضا                                                             |
|----------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------|
| شماره مناقصه و تقاضا                                                             | شماره مناقصه و تقاضا                                                             |
| موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقلام درخواستی                                           | موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقلام درخواستی                                           |
| مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار                                              | مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار                                              |
| مبلغ برآوردی مناقصه                                                              | مبلغ برآوردی مناقصه                                                              |
| آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه در سامانه ستاد               | آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه در سامانه ستاد               |
| آخرین مهلت بازگداری پاکت الف، ب، ج و مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد | آخرین مهلت بازگداری پاکت الف، ب، ج و مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد |
| آدرس مناقصه‌گزار                                                                 | آدرس مناقصه‌گزار                                                                 |

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: [WWW.SETADIRAN.IR](http://WWW.SETADIRAN.IR) انجام می پذیرد و به پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۲۲-۵۱۱۸-۵۱۱۸-۲۷-۷۳۳۱۳۱۵- تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی



# بازار مکاره وی‌پی‌ان

## با قطعی اینترنت و دستیابی محدود به اینترنت جهانی قیمت فیلترشکن‌ها نجومی شد



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

بحران ارتباطی که از ساعات پایانی ۱۸ دی ماه آغاز شد اکنون در چهارمین روز از بهمن ماه، فراتر از یک اختلال فنی یا امنیتی ساده، به یک پدیده چندوجهی اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده که عدالت اجتماعی و پایداری معیشتی جامعه ایران را هدف قرار داده است. آنچه در این روزهای پرتالهاب بر فضای مجازی کشور گذشت، نه‌تنها یک خاموشی دیجیتال بی‌سابقه بلکه زایمان دردناک یک طبقه جدید اقتصادی تحت عنوان «کاسبان فیلترینگ» بود. این گروه با بهره‌برداری هوشمندانه از انسداد مسیرهای قانونی دسترسی به شبکه جهانی، ابتدایی‌ترین نیاز روزمره مردم را به کالایی لوکس، نایاب و به شدت گران‌قیمت تبدیل کرده‌اند که بهای آن بسا درآمدهای چند ماهه یک کارگر ساده برابری می‌کند.

### قیمت نجومی کانفیگ‌ها

نقطه آغاز این وضعیت در داده‌های رادار کلودفلر به‌وضوح ثبت شده است؛ جایی که میزان دسترسی به فضای آدرس‌دهی IPv۶ در شبکه ایران تقریباً به صفر رسید و تبادل داده با جهان به پایین‌ترین حد خود در سال‌های اخیر سقوط کرد. اما این تنها یک عدد فنی نبود بلکه آغازگر تجارتی سیاه در لایه‌هایی بود که پیش از این تصورناپذیر می‌نمود. امروز در قلب بازار تهران و بازارهای آنلاین زیرزمینی، شاهد دلاری شدن کامل

### جامعه

## خروج از حاکمیت قانون

### نقره کار می‌گوید: توقیف اموال به بهانه جبران خسارت،

### نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تهدید مالکیت خصوصی است

علیه افراد و خواه در راستای بهره‌برداری‌های سیاسی از ابزار کیفری) مسدود می‌شود. به گفته او؛ این دستاورد دولت مدرن، زمینه‌ای فراهم کرده است تا «حاکمیت قانون» بر صدر بنشیند و مواضع سیاسی یا رسانه‌ای، جایگزین قواعد از پیش تعیین‌شده و هنجارهای بنیادی نشوند؛ هنجارهایی که ذیل حقوق اساسی، آزادی‌های بنیادین و به‌ویژه احترام به‌حق مالکیت تعریف و تضمین شده است. در شرایطی که جامعه امروز ایران در پی وقایع اخیر دچار بهت و اندوهی عمیق است، ضرورت پابندی دقیق به این اصول بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

این وکیل پایه یک دادگستری در همین چارچوب با بیان اینکه طرح موضوعاتی چون مصادره اموال بدون وجود مبنای صریح قانونی، به‌ویژه در ارتباط با شهروندی که صرفاً از حق اعتراض حمایت کرده‌اند، کاملاً مردود است، تأکید می‌کند: احترام به مالکیت خصوصی و کرامت انسانی، تکلیفی غیرقابل تخفیف برای حاکمیت است و در هیچ شرایطی نباید اجازه داد با تفسیرهای سلیقه‌ای و فراقانونی، اصل حاکمیت قانون خدشه‌دار شود. تنها افرادی که به‌صورت مستقیم و مستند در اعمال خشونت‌آمیز با تخریب نقش داشته‌اند، از هم صرفاً در چارچوب قانون، می‌توانند موضوع رسیدگی کیفری و مسئولیت مدنی قرار گیرند؛ هر رویکردی فراتر از این، نقض صریح حقوق اساسی شهروندان و تهدیدی جدی برای اعتماد عمومی و امنیت حقوقی جامعه خواهد بود.

او ادامه می‌دهد: بنابراین در این خصوص و مطابق اصل ۲۰ قانون اساسی، مال و حقوق همه شهروندان از احترام و حمایت قانونی برخوردار است و به‌هیچ‌وجه امکان تعرض، تعهد اجباری یا سلب حقوق مالی شهروندان خارج از چارچوب قانون وجود ندارد. صرف اینکه شهروندی از حق اعتراض سایر شهروندان حمایت یا با آن همراهی کرده باشد، مطلقاً هیچ مبنای حقوقی برای نقض حقوق مالی، مالکیت خصوصی یا تحمیل مسئولیت مدنی و کیفری بر او فراهم نمی‌کند. چنین تفسیری نه‌تنها فاقد وجاهت قانونی است بلکه با اصول بنیادین حقوق اساسی و فلسفه حمایت از آزادی‌های مشروع در تعارض آشکار قرار دارد.

نقره‌کار می‌گوید: در این چارچوب، استنهاها و اختیارات نهادهای قضایی، نظارتی نیز ماهیتی محدود، مشخص و مقید به قانون دارند.



را ندارد و عملاً از چرخه آموزش، تجارت و ارتباطات جهانی حذف شده است. این وضعیت نشان‌دهنده زوال وعده‌های دولت چهاردهم است که با شعار رفع فیلترینگ روی کار آمد اما اکنون در برابر ساختار پیچیده تصمیم‌گیری و نفوذ احتمالی کاسبان فیلترینگ در لایه‌های تصمیم‌ساز به ابراز ناراحتی و یا وعده‌های متناقض و بی‌سرانجام بسنده کرده است. یکی از بزرگ‌ترین تناقضات سیاست‌های فعلی، ادعای ارتقای امنیت در پی محدودسازی اینترنت است. شواهد نشان می‌دهد که استفاده اجباری ۸۰ درصد مردم از فیلترشکن‌های مشکوک، راه را برای نفوذ بدافزارها و جاسوسی از اطلاعات شخصی هموار کرده است. گوشی‌های میلیون‌ها ایرانی اکنون به ربات‌های بالقوه در حملات سایبری تبدیل شده‌اند. علاوه بر این، خروج گسترده سرمایه برای خرید این تجهیزات و اشتراک‌ها، زخمی عمیق بر پیکره اقتصاد ملی وارد می‌کند. در نهایت، آنچه در بازار سیاه اینترنت ایران می‌گذرد، تنها یک ناهنجاری اقتصادی نیست بلکه نشانه‌ای از فروپاشی قرارداد اجتماعی در حوزه فناوری است. این انزوای خودخواسته دیجیتال، نه‌تنها برندهای داخلی را نابود می‌کند بلکه منجر به مهاجرت گسترده نخبگانی می‌شود که دیگر نه برای آزادی سیاسی بلکه تنها برای «حق کار کردن» و «دسترسی به اطلاعات» جلای وطن می‌کنند. هر روز قطعی بیشتر به معنای انباشت بیشتر ثروت در جیب کاسبانی است که بقای خود را در خاموشی مردم می‌بینند.

### شبکه

### قطع ووصل

#### با وجود گذشت ۱۴ روز از قطع اینترنت اما

#### مسئولان اظهارنظرهای متناقضی درباره

#### زمان برقراری اینترنت بین‌الملل دارند

با وجود اعلام‌های رسمی درباره آغاز روند اتصال اینترنت بین‌الملل، کاربران ایرانی تا لحظه انتشار این گزارش همچنان با قطعی، ناپایداری و دسترسی محدود به سرویس‌های خارجی مواجهند؛ وضعیتی که فاصله معناداری میان وعده‌های اعلام شده و تجربه واقعی کاربران ایجاد کرده است. بر اساس گزارش خبرگزاری فارس از ظهر روز پنج‌شنبه دوم بهمن‌ماه روند کاهش محدودیت‌های فنی اینترنت بین‌الملل به‌صورت پلکانی آغاز شده و ابتدا استان‌هایی مانند اصفهان و فارس در اولویت قرار گرفته‌اند. طبق این گزارش، در صورت عدم بروز اختلال فنی، اینترنت بین‌الملل باید حداکثر ظرف ۲۴ ساعت در سراسر کشور به‌طور کامل در دسترس قرار می‌گرفت. با این حال آنچه امروز در عمل مشاهده می‌شود، اتصال‌های کوتا‌مدت، قطع‌ووصلی‌های مکرر و کاهش شدید کیفیت دسترسی است. ظهر دیروز، اتصال اینترنت بین‌الملل برای کمتر از ۳۰ دقیقه برقرار شد؛ اتفاقی که امیدها به تحقق وعده اتصال کامل را زنده کرد اما این امید خیلی زود جای خود را به ناامیدی داد و اینترنت جهانی بار دیگر از دسترس خارج شد. هم‌زمان، برخی سرویس‌هایی که تا صبح دیروز به‌صورت محدود در دسترس بودند اکنون با کندی شدید مواجهند یا به‌طور کامل قطع شده‌اند. در همین زمینه بهزاد اکبری، مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت، در گفت‌وگو با سیتنا اعلام کرد: «ان‌شاء‌الله امروز یا فردا این موضوع حل می‌شود و ما پیگیر آن هستیم». او همچنین تأکید کرد که «موضوع اتصال اینترنت بین‌الملل در اختیار وزارت ارتباطات نیست» و تصمیم‌گیری در این زمینه در سطحی فراتر انجام می‌شود. این اظهارنظر، اگرچه تداوم پیگیری را نشان می‌دهد اما برای افکار عمومی که طی روزهای گذشته با چندین وعده محقق نشده روبه‌رو بوده‌اند، پاسخ روشنی تلقی نمی‌شود. آنچه امروز بیش از خود قطعی اینترنت کاربران را آزار می‌دهد، ناپایداری مزمن و فضای مبهم تصمیم‌گیری است؛ وضعیتی که در آن، انتظار مداوم، اعلام زمان‌های متفاوت برای اتصال و عدم پاسخگویی شفاف به بی‌اعتمادی عمومی دامن زده است. برای کسب‌وکارهای آنلاین، فعالان فناوری، رسانه‌ها و حتی کاربران عادی، این شرایط هزینه‌زا و فرسایشی است.

وظیفه این نهادها، پاسداری از امنیت شهروندان و نظم عمومی در چارچوب موازین حقوقی است و نه توسعه دامنه اختیارات به‌گونه‌ای که به تضعیف حقوق اساسی ملت بینجامد. بدیهی است که این نهادها مکلفند، تکالیف قانونی خود را با محوریت حمایت از آزادی‌های بنیادین، کرامت انسانی و حقوق شهروندی اعمال کنند و از هرگونه تفسیر موسع یا سلیقه‌ای که منجر به تضعیف حقوق افراد شود، پرهیز نمایند.

### ابزاری برای سوء استفاده نشود

این وکیل دادگستری اضافه می‌کند: طبیعتاً هر جبران، گروه یا فردی که به خشونت، ترور، تخریب یا تهدید امنیت شهروندان دامن بزند باید در چارچوب قانون مورد بازخواست قرار گیرد و مسئولیت رفتار خود را بپذیرد. اصل مسئولیت‌پذیری ایجاب می‌کند که هر شهروندی که به دیگری، به اموال عمومی، به شهر یا به جامعه خسارت وارد می‌کند، شخصاً و مستقیماً مسئول جبران خسارت باشد. این مسئولیت، نه قابل تسری به اشخاص ثالث است و نه می‌توان آن را به افرادی تحمیل کرد که صرفاً در حوزه بیان، حمایت مدنی یا همراهی با مطالبات قانونی و حقوق شهروندان فعالیت داشته‌اند.

او ادامه می‌دهد: قانون‌گذار به‌روشنی نخواسته است که ابزارهای کیفری، مصادره اموال یا محدودسازی حقوق مالی به وسیله‌ای برای سوء‌استفاده از اختیارات یا نقض حقوق شهروندان تبدیل شود. هرگونه اقدام در این مسیر، مصداق خروج از حاکمیت قانون و عدول از اصول مسلم حقوق عمومی و حقوق اساسی خواهد بود. به‌ویژه در شرایطی که کشور با وضعیت‌های خاص و اضطراری مواجه می‌شود، ملاحظات و ظرافت‌های حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادین اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، ضرورت دارد که تصمیم‌گیران، ضابطان و مراجع مسئول با دقت، احتیاط و پابندی کامل به قانون عمل کنند تا مبادا به بهانه حفظ نظم یا امنیت، حقوق مشروع شهروندان قربانی تفسیرهای ناصواب یا اقدامات شتاب‌زده شود. توجه بنیادین به این ملاحظات، نه‌تنها تضمین‌کننده عدالت و امنیت حقوقی است بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند.

## آن حقیقت تلخ چیست؟

هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی NTV ترکیه خبر داد: نکاتی را در سفری که به ایران داشت با مقامات ایرانی در میان گذاشته است. او گفته نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه اسرائیل به دنبال فرصتی برای حمله به ایران است.

چنین اقدامی می‌تواند، منطقه را بی‌ثبات‌تر کند. امیدوارم آنها مسیر متفاوتی پیدا کنند. در سفر اخیر خود به ایران، نگرانی‌های خود را مستقیماً به مقامات ایرانی منتقل کرده‌ام. وقتی در روزهای اخیر به تهران رفتم به‌عنوان دوست‌شان همه چیز را در مورد این روند به آنها گفتم و می‌دانید، یک دوست حقایق تلخ را می‌گوید.

### بی‌توجهی سازمان برنامه به کرامت ایرانیان

عبدالکریم حسین‌زاده، معاون رئیس‌جمهور، به خبرآنلاین گفته است: «وزارت کار در حال کار کردن روی شیوه پرداخت این یک میلیون تومان است تا هم مبلغ آن افزایش یابد، هم دسترسی را برای مردم راحت‌تر کند و هم کالا به‌صورت انبوه وجود داشته باشد. همچنین دولت نظارت و مدیریت بر قیمت‌ها را انجام می‌دهد تا این قیمت‌ها به‌صورت صعودی رشد پیدا نکنند؛ کالا هم با قیمت واقعی به دست مردم برسد.» اما نکته مهمی که مسئولان دولتی عاقلانه از پذیرش آن طفره می‌روند، قبول این واقعیت ساده است که اساساً پرداخت یک میلیون تومان در شرایطی که تورم بالای ۵۰ درصد زندگی روزمره مردم را باعیده بیش از آنکه، کمک حال باشد، توهمین آشکار به شأن و کرامت شهروندان است. این رقم نه قدرت خرید ایجاد می‌کند و نه حتی می‌تواند، نقش مسکن کوتاه‌مدت را ایفا کند؛ صرفاً عددی تبلیغاتی است برای پر کردن خلأ سیاست‌گذاری جراحی اقتصادی اگر واقعاً قرار بود جراحی باشد نه یک شوک، می‌توانست و باید در چند مرحله، با ابداع افکار عمومی و اصلاح واقعی ساختار هزینه‌های دولت انجام می‌گرفت. دولت این امکان را داشت که در لایحه بودجه سال آینده، بودجه نهادهای غیرمؤثر و ناکارآمدی را که نسبتاً مسئله‌ای از کشور حل نمی‌کنند بلکه خود به باری دانه‌ی بر دوش مردم تبدیل شده‌اند، حذف یا دست‌کم به‌طور جدی محدود کند اما در عمل، سازمان برنامه و بودجه بار دیگر نشان داد که اساساً ایده‌ای برای بهبود معیشت مردم ندارد و دغدغه‌اش نه اصلاح ساختارها بلکه حفظ تعادل میان رانت‌خواران دولتی، نهادهای فرهنگی پرهزینه و شبکه‌های بودجه‌خوار در بخش‌های مختلف حاکمیت و دولت است. گویی مأموریت ناخوشه این سازمان نه دفاع از منافع عمومی بلکه راضی نگه داشتن ذی‌نفعانی است که سال‌هاست بدون پاسخگویی، سهم خود را از منابع عمومی مطالبه می‌کنند و هزینه این رضایت، مستقیماً از سفره مردم پرداخت می‌شود.

## پی‌وی‌لیسم جنگ طلب

### چرا روشنفکران این‌روزها سکوت کرده‌اند؟

در روزهای اخیر، گفتمانی نگران‌کننده به‌تدریج وارد فضای عمومی شده است: گفتمانی که از طریق بازوهای جنگ‌طلبان خارج از کشور، ترجمه بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال به افکار عمومی داخل ایران تزریق می‌شود. در این روایت، جنگ و مداخله نظامی نه به‌عنوان فاجعه، بلکه به‌منابۀ راحل و نجات بازماندگی می‌شوند! گویی خشونت می‌تواند، جای سیاست بنشیند و بهب میانبری به رهایی باشد. این سازسازی خطرناک، جامعه‌ای معترض و خشمگین را به بیراهه می‌برد آنچه در دفاع از جنگ تبلیغ می‌شود، نه واقع‌گرایی است و نه رادیکالیسم آگاهانه؛ بلکه، پی‌وی‌لیسمی هیجان‌زده، سانساز و بی‌مسئولیت است. پی‌وی‌لیسمی که از ختم اجتماعی تغذیه می‌کند اما از تحلیل تهی است و راحل را نه در سیاست بلکه در انفجار و مداخله خارجی جستجو می‌کند. در این روایت، بهب جای برنامه می‌نشیند، ارزش بیگانه جای جامعه و ویرانی به‌عنوان مقدمه آزادی بزرگ می‌شود؛

همان نقطه‌ای که سیاست می‌میرد و فاجعه آغاز می‌شود.

تاریخ معاصر بارها این مسیر را نشان داده است از عراق و لیبی تا سوریه و افغانستان، مداخله خارجی نه آزادی آورده و نه ثبات؛ فقط دولت‌های فروپاشیده، جامعه‌های چندپاره و چرخه‌ای پایان‌ناپذیر از خشونت. با این همه، امروز دوباره همان نسخه‌های شکست‌خورده با زبانی تازه عرضه می‌شوند؛ یا از سر ناآگاهی یا با چشم‌پوشی عاقلانه از تجربه خون‌بار گذشته. پی‌وی‌لیسمی که جنگ را نجات‌بخش جا می‌زند بر یک فریب

## ماجرای قتل مهرداد نیویورک

رکنا نوشته مهرداد نیویورک، خواننده لس‌آنجلسی به‌طرز فجیعی در تهران به قتل رسید و این درحالی بود که دختر طراح اصلی جنایت‌در تهاس با شبکه ماهواره‌ای این خواننده با ابراز اینکه بی‌خانمان هستند از او کمک خواسته بودند. محتویات واقعی پرونده قتل جعفر آقاشریعتی ملقب به مهرداد نیویورک حاکی از آن است که او به‌جز دارایی‌های میلیون دلاری در خاک آمریکا و داشتن مجوز شبکه ماهواره‌ای در خاک ایران، دارای ثروت چند هزار میلیاردی بود که می‌توان به ویلای ساحلی در سبستگان و فروشگاه بزرگ خانه و



### سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی

صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران

مدیرمسئول: امیر افتناعی ● سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)

محمد عطریان‌فر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر افتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● عکس: رضا معطریان

ویراستار: سعیده آرین‌فر ● حروف‌چین: سحر خسروچرزی

نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۳۲۲

چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۷۱۶۸ ● توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

### نادیده گرفتن

### اقتدارگرایی اقتصادی

یوسف اباذری اخیراً با انتشار مقالهدی در روزنامه شرق به نشست برخی از فعالان سیاسی و اجتماعی با مسعود پزشکیان پرداخت و نوشت، پزشکیان بار دیگر همان الگوی آشنایی را تکرار کرد که دست‌کم از دولت هاشمی‌رفسنجانی به این‌سو به ستون ثابت گفتمان اقتصادی رؤسای‌جمهور ایران بدل شده است. به باور اباذری این متفکر چپ ایرانی، آنچه در سه دهه گذشته تحت‌عنوان برنامه‌های مدرن اقتصادی اجرا شده عملاً ترجمه‌ای از سیاست‌های مکتب شیکاگو و نئولیبرالیسم بوده که با زیان عدالت اجتماعی و اخلاق تزئین شده است از هاشمی و احمدی‌نژاد تا روحانی و اکنون پزشکیان. بستمای کپه‌پیش ثابت از آزادسازی قیمت‌ها، شوک‌درمانی و کاهش نقش دولت با توصیه اقتصاددانانی پیش رفته که خود را «متخصص» و «غیرسیاسی» معرفی کرده‌اند. پیامدهای اجتماعی این سیاست‌ها از ناآرامی‌های شهری تا تورم افسارگسیخته و فروپاشی نهادهای مالی همواره به گردن دولت‌ها افتاده و نه خود این مکتب فکری با این حال، نقد اباذری خود دچار یک خطای بنیادی است و آن خلط میان لیبرالیسم اقتصادی و رانتیرهای دولتی است که زیان بازار را برای توزیع رانت به کار می‌گیرند. آنچه در ایران اجرا شده نه بازار آزاد بلکه، ترکیبی از اقتدارگرای دولتی در اقتصاد، انحصار بازار و فقدان نهادهای تنظیم‌گر بوده است. افزون بر این، اباذری با تقلیل همه شکست‌ها به یک مکتب خاص عملاً نقش مافیای سیاسی و فساد آشکار و پنهان آنها و فقدان دموکراسی اقتصادی را کهن‌نگ می‌کند؛ گویی اگر مکتب تغییر می‌کرد، همین دولت و همین سازوکار قدرت می‌توانست، نتایج متفاوتی تولید کند. او همچنین میان نقد اخلاقی و تحلیل نلای مرزروشنی نمی‌کشد و بیشتر به افشاگری ایدئولوژیک متوسل می‌شود تا توضیح اینکه در شرایط واقعی ایران، بدیل پیشنهادی‌اش با چه ابزارها و چه توازن قوایی قابل اجراست. در نتیجه، متن او اگرچه در تخریب تخصص خنثی موفق است اما در ساختن افق عملی سیاستگذاری عمداً یا ناخواسته دست خالی می‌ماند.

### سناریوی بی‌ثبات‌سازی به جای فشار مستقیم

تسنیم نوشته اظهارات اخیر جان مرشایمر، نظریه‌پرداز برجسته مکتب رئالیسم تهاجمی در آمریکا، بار دیگر این واقعیت را برجسته کرد که ایران نه‌صرفاً یک بازیگر منطقه‌ای بلکه، یک مانع ساختاری در برابر نظم مطلوب آمریکا و رژیم صیونیستی در غرب آسیاست. هرچند مرشایمر صراحتاً نسخه اجرایی تجزیه ایران را تجویز نمی‌کند اما تأکید او بر «هزینه‌بر بودن مپار ایران» و «ناآوانی گزینه‌های کلاسیک» به‌روشنی نشان می‌دهد که در محافل راهبردی غرب، سناریوهایی بی‌ثبات‌سازی درونی به‌عنوان جایگزین فشار مستقیم در حال ناپدینه شدن است. پروژه تجزیه ایران بیش از آنکه، یک تهدید محض باشد، آموونی برای سنجش بلوغ سیاسی ملت ایران است. غرب بر شکاف‌ها سرمایه‌گذاری کرده اما جامعه ایرانی بر وحدت. تا زمانی که این آگاهی جمعی حفظ شود و اجازه داده نشود، مطالبات مشروع مردم به ابزار بازی‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شوند، فرمول تجزیه، هرچقدر هم در اتاق‌های فکر واشنگتن و تل‌آویو تکرار شود، در میدان واقعیت رلا به جایی نخواهد برد.

#### پرواز ممنوع

شرکت هواپیمایی هلندی کی‌ال‌ام و هواپیمایی ایرفرانس اعلام کردند به دلیل افزایش تنش‌ها در خاورمیانه تا اطلاع ثانوی از پرواز بر فراز بخش‌های بزرگی از این منطقه خودداری خواهند کرد.

#### اخراج ۴۰ ایرانی از آمریکا

ابوالفضل مهرآبادی، سرپرست دفتر حفاظت منافع ایران در نیویورک اعلام کرد که حدود ۴۰ ایرانی روز یکشنبه به وقت محلی (پنجم بهمن ۱۴۰۴ برابر با ۲۵ ژانویه ۲۰۲۶) از آمریکا اخراج و به تهران بازگردانده می‌شوند. این گروه از ایرانیان با توقف کوتاهی در مصر از طریق کشور کویت به ایران بازخواهند گشت دولت دونالد ترامپ در پی سیاست سختگیرانه مهاجرتی خود که از وعده‌های کارزار انتخاباتی او بود، افراد غیرقانونی را از آمریکا اخراج می‌کند.

#### فعال شدن هسته‌های آشوب

علی اکبر رائفی‌پور، فعال رسانه‌ای اصولگرا معتقد است:

### خواندنی‌ها

#### کن به جای فجر

«غذای نهمروز» عنوان تازه‌ترین ساخته مجید مجیدی است که نامش در فهرست فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر نیست. از آنجایی که فیلم‌های متفاوتی در فستیوال کن باید اولین نمایش‌شان در این جشنواره باشند، مجیدی حضور در کن را به جشنواره فجر ترجیح داده و از ارائه فیلمش به این رویداد خودداری کرده است. مجیدی بهمن ماه سال گذشته و در سکوت کامل خبری، فیلم «غذای نهمروز» را با حضور تعدادی نابازیگر در چابهار به مدیریت فیلمبرداری هومن بهمنش جلوی دوربین برد.

#### تشکر از جنگ‌طلبان!

مسیلا درخانیچی، فعال فرهنگی در متنی طعنه‌آمیز خطاب به ایرانیان خارج از کشور نوشته است: از ایرانیان خارج از کشوری که باعث شدند، سایه جنگ بر سر کشورمان ایران بیفتد و حالا ماها با کلی اضطراب باید ششمان را صبح کنیم و در عوض آنها تو ریچموندیهیل و وست ونیکور با خیال راحت نشستند و منتظرند نیروی خارجی برای ما دموکراسی بیاره، کمال تشکر رو دارم.

اگر حمله نظامی صورت بگیرد، تردید نکنید هسته‌های آشوبگری و ترور هدفمند نیز برای حذف افراد شاخص و تصرف زمینی اماکن حساس فعال خواهند شد. پرواضح است در آشوب‌های اخیر، تنها بخش کوچکی از هسته‌های آشوب زیر ضربه رفتند. با قطع اینترنت و ناکام ماندن پلن قبلی این گروه‌ها به مخفیگاه رفته و همزمان با حمله نظامی مجدداً فعال خواهند شد. در چند روز اخیر نیز شاهد گسیل نسبتاً گسترده امکانات مورد نیاز این گروه‌ها خصوصاً به سمت تهران هستیم

#### سه هفته بدون اینترنت

نت‌بلاکس که یک نهاد مستقل بین‌المللی است و اختلال، قطع یا محدودسازی اینترنت در کشورهای مختلف را رصد و گزارش می‌کند، خبر داد: قطع اینترنت در ایران با وجود یک بازگشت کوتاه و لحظه‌ای اتصال بین‌المللی حدود ساعت ۳۷۵ وارد سومین هفته خود شده است. پلتفرم‌های آنلاین گاهی به‌صورت محدود در فهرست سفید قرار می‌گیرند و طی یکی، دو روز گذشته برخی کاربران توانسته‌اند از طریق تونل‌ها به اینترنت جهانی دسترسی پیدا کنند.